

خامنه‌ای و مردم



همایش بین المللی

امتداد خامنه‌ای

مردم و بعثت آنان از منظر مکتب



حضرت جلال‌المسلمین  
استاد محمد رضا فلاح شیروانی





اللَّهُمَّ ارْحَمْنَا



## فهرست مطالب

- ۴..... اشاره به ورود اجتماعی ویژه رسول اکرم ﷺ
- ۵..... تمام حرف رسول اکرم ﷺ: خدا
- ۵..... مواظب «يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا» باشیم
- ۶..... استیفای میثاق فطرت و إثاره دفائن عقول
- ۸..... انسان شناسی غربی مقابل انسان شناسی قرآنی
- ۹..... دموکراسی از نظر امام نجس است
- ۱۰..... انسان در نگاه قرآنی: اشرف مخلوقات، خلیفة الله
- ۱۱..... نماز و شئون اجتماعی
- ۱۳..... نگاه پیامبر ﷺ و امام هدیؑ به مردم: إثاره عقل و احترام به کرامت
- ۱۴..... دو مینا برای مردم سالاری در اندیشه امام هدیؑ
- ۱۴..... خواست و اراده مردم برای امام هدیؑ اصل بود



وعلیکم السلام.

أعوذ بالله من الشيطان الرجيم. بسم الله الرحمن الرحيم.  
الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آله الطاهرين.

## اشاره به ورود اجتماعی ویژه رسول اکرم ﷺ

خیلی خوشحالم که در جمع عزیز و نورانی و صاحب رسالت شما عزیزان، توفیق حضور پیدا کردم. از همه عزیزانی که باعث این جلسه و فراتر از این جلسه، باعث فعالیت‌هایی که شروع کردید و با هم هماهنگ می‌کنید و پیش می‌برید، تشکر می‌کنم.

عرض شود که ما در اعقاب خودمان و در تاریخ خودمان، ورودهای اجتماعی داریم که به شدت ویژه است. در حیات بشری، در تاریخ تلاش‌های بشری، بسیار بسیار ویژه است و آن کسانی که ما به عنوان «ویژه» از آنها یاد می‌کنیم، این‌ها اسوه‌های ما هستند. من به خصوص اشاره‌ام به آقا رسول اکرم ﷺ است.

آنچه از ایشان نقل می‌شود خیلی عجیب است؛ خیلی عجیب است که بدون پشتیبانی قدرت‌های رایج زمانه خود (بلکه با مخالفت‌ها، ممانعت‌ها، معارضت‌ها و به قول امام شهیدمان علیه السلام، به صورت شرم‌آوری با انواع و اصناف دشمنی‌های آن‌ها مواجه بودند) اما اتفاقی که افتاد، اتفاق خیلی عجیبی بود. با مردم حرف زدند، فقط حرف زدند و فئات کثیره‌ای را به سمت خودشان کشیدند. مردم را از محیط مرسوم حیات خودشان کردند و دعوت او را اجابت کردند و با او همراه شدند.

این فوق‌العاده عجیب است. اصلاً در تاریخ کم می‌شود مثال‌های این‌چنینی پیدا کرد. این‌گونه که مردم بیابند، خیلی کم می‌شود مثال پیدا کرد. این نقطه، قطعاً یک نقطه طلایی در تاریخ حیات بشر است. من اینجا خیلی نمی‌ایستم (والا خیلی برای ما آموزه در آن هست که این پدیده عجیب را برای ما توضیح دهد) که چرا این‌طور شد؟ چرا ایشان توانست این‌گونه مردم را براباید و باز هم به تعبیر امام شهیدمان علیه السلام، یک «**رستاخیز عظیم انسانی و اجتماعی**» راه بیفتد؟



## تمام حرف رسول اکرم ﷺ: خدا

پاسخش را همه ما می دانیم، فقط باید به آن توجه کنیم. حتماً و اتفاقاً ما باید به این پاسخ توجه کنیم، به خصوص ماها. آقا رسول اکرم ﷺ ایشان، در واقع می شود گفت سخنی برای بشر داشت. پیامی برای بشر آورد که هیچ کس این سخن را نمی توانست برای بشر بیاورد؛ خود او به خوبی فهمیده باشد و خوب مغز پخته کرده باشد و به خورد مردم بدهد. تمام حرف آقا رسول اکرم ﷺ، «خدا» بود. کلاً خدا. و این را عزیزان، اگر کسانی غیر از من و شما ساده از کنار این قضیه گذشتند، من و شما نباید ساده از کنار این قضیه بگذریم.

بشر چشمش را باز می کند که این جهان را بشناسد. حرف آقا رسول اکرم ﷺ این بود که بدون خدا شما چیزی از عالم نمی فهمید؛ از عالم هیچی نمی فهمید. دقت می کنید؟ می دانیم حرف آقا رسول اکرم ﷺ همین بود، اما یک خورده گوش آشنا شده برایمان و یک خورده کنجکاوهایمان کم شده که آقا رسول اکرم ﷺ حرفش این بود: می گفت که هیچ چیز گفتنی در این عالم غیر از خدا نداریم. و کل این قرآنی هم که آورد، همایش کتاب تعریف خداست. معرفی خدا در هزاران هزار جلوه. درست همین است دیگر.

حادثه پیش می آید، یک چیزی درباره حادثه می گوید، آخرش «إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ»، «إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ»؛ همش اوصاف خدا، یا نسبتاً یا به صورت صریح، فعلی را به خدا نسبت می دهد. آقا رسول اکرم ﷺ حرفش این بود.

مواظب «يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِّنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا»<sup>۱</sup> باشیم.

و این حرف حالا یک نکته ای در آن هست (چون بحث مردم است، من دارم از اینجا وارد می شوم). اولاً ما یک عده را احتیاج داریم مثل آقا رسول اکرم ﷺ که این داستان برایشان حل شده باشد که گفتنی دیگری در این عالم وجود ندارد، غیر خدا؛ اصلاً حقیقت دیگری در این عالم غیر خدا وجود ندارد. همه جلوه ای حق تعالی هستند.

این جمله را عزیزان، ماها باید احساس کنیم. خیلی مسئله مهمی است. و ماها وقتی که می خواهیم دین را جلو ببریم در جامعه، مواظب باشیم که دچار «يَعْلَمُونَ

<sup>۱</sup> سورة الروم: V



ظَاهِرًا مِنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا» نشویم. درست است؟ همین بساط را می خواست جمع کند دیگر. همین بود که انسان ها را به انحراف می انداخت. «يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا» همین است دارد بشر را بدبخت می کند. این نکته خیلی نکته مهمی است.

رسول اکرم ﷺ قطعاً نگاهش این طور بود که اگر بدون خدا نگاه کنی، اصلاً واقعیت ها را تشخیص نمی دهی و سعی می کرد این را بگوید. خواصی مثل سلمان رضی الله عنه خیلی می فهمیدند و مردم عمومی هم دلهاشان می رفت. کم کم، حتی صاحب شهوداتی می شدند. این اتفاقی بود که برای بشر می افتاد.

### استیفای میثاق فطرت و اِثاره دَفائن عقول

برای اینکه یک مقدار واضح تر شود، این بیان آقا امیرالمؤمنین علیه السلام را که به فلسفه نبوت می پردازد، آنجا که می فرماید «وَوَاتَرَ إِلَيْهِمْ أَنْبِيَاءَهُ»، با همدیگر بخوانیم.

ببینید، خودمان می خواهیم به موضوع بحثمان نزدیک شویم، عزیزان. نمی خواهیم به سبک فیلسوفان سیاست حرف بزنیم. این ها ما را منحرف می کنند. عزیزان، «مردم مردم» می گوئیم، ولی ما مردم مردمان همان مردم قرآن است، نه مردم این فیلسوفان سیاست. آن ها خیلی هم بیشتر از ما کتاب نوشتند، ولی دقیقاً «ظُلُمَاتٌ» است. «وَالَّذِينَ كَفَرُوا»؛ یعنی می پوشانند حق را. حالا معلوم می شود حق را ببوشانند، یعنی «أُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ يُخْرِجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ»<sup>۱</sup> می گوید اینی که الان ده تا کتاب دارد درباره مردم سالاری، آن هم در ظلمات است؟

بله آن هم در ظلمات است. اگر با ادبیات دینی، با فکر دینی، یعنی با نگاه توحیدی... توحید یعنی «خدا و دیگر هیچ». مثل اینکه بگویند «سکوت را بگو»؛ سکوت را که نمی شود با حرف گفت. توحید را یعنی فقط خدا را بگو، باید فقط بگویی «خدا و دیگر هیچ». در حدیث معراج خداوند متعال خطاب به رسول اکرم ﷺ دارد: «يَا أَحْمَدُ اجْعَلْ هَمَّكَ هَمًّا وَاحِدًا فَاجْعَلْ لِسَانَكَ لِسَانًا وَاحِدًا وَاجْعَلْ بَدَنَكَ حَيًّا لَا تَغْفَلَ عَنِّي مَنْ يَغْفَلَ عَنِّي لَا أَبَالِي بِأَيِّ وَادٍ هَلَكَ...»<sup>۳</sup>

۱. نهج البلاغة: خطبة ۱

۲. سورة البقرة: ۲۵۷

۳. الدیلمی، إرشاد القلوب: ص ۲۰۵، الناشر: الشریف الرضی - قم



این را فکر نکنیم یک بحث اخلاقی است. اگر سرحال بودیم و مثلاً کنار امام رضا علیه السلام بودیم این را می خوانیم. نه، این اصلاً کل موجودیت **رسالته صنفی** ماست. ما طلبه ها اصلاً همینیم، هیچی غیر از این نیست. منتها این بحث، عنوان «فرهنگی»، «کار فرهنگی» و این ها آمده، اصلاً مغز ما را دزدیده. «فرهنگی» چیست؟ ما کار فرهنگی نیستیم، ما کارمان کار خدایی است.

این نکته توسط ایشان دارد این گونه بیان می شود: « وَ وَاتَّرَ إِلَيْهِمْ أَنْبِيَاءَهُمْ » پیامبران علیهم السلام خود را پشت سر هم فرستاد به سمت بندگان خود، «لِيَسْتَأْذُوهُمْ مِيثَاقَ فِطْرَتِهِ»! می دانید دیگر، همه ما حفظ هستیم. از آن ها درخواست کرد؛ گفت شما یک میثاق خلقتی، فطرتی با خدا بستید، آن میثاق را من آمدم از شما درخواست می کنم ادا کنید پای آن بایستید.

آقا رسول اکرم صلی الله علیه و آله در تمام بیست و سه سال بعثتشان همین کار را داشتند می کردند. بله قطعاً. آقا امیرالمؤمنین علیه السلام هم دائماً این را مطالبه می کرد. مدام جنگ تعریف می کرد؛ در طول ده سال هفتاد و خرده ای جنگ کرد (ایشان نزدیک به هشتاد تا جنگ کرد). این «لِيَسْتَأْذُوهُمْ مِيثَاقَ فِطْرَتِهِ» واقعاً می خورد به آن. بله، همان است. چرا ماها نمی توانیم توضیح دهیم این را؟

طلب ادا کردن میثاق فطرت، تمام لحظات آقا رسول اکرم صلی الله علیه و آله بود. «وَيَذْكُرُوهُمْ مَنْسِيًّا نِعْمَتِهِ» و «وَيُثِيرُوا لَهُمْ دَفَائِنَ الْعُقُولِ». <sup>۲</sup> کار آقا رسول اکرم صلی الله علیه و آله این بود که معتقد بود (این جا ما کار داریم در بحث مردم) این جا معتقد بود مردم دارای دینه عقل هستند. یعنی خدا به آن ها عقل داده، این مدفون است، نه مدفون زیر خاک، در وجودشان مدفون است.

**«اثره کردن»** یعنی **شوراندن**. این واژه معادل «ساختن» است که حضرت آقا فرمودند: «لِيُثِيرُوا لَهُمْ دَفَائِنَ الْعُقُولِ». بعثت را هم می فرمایند «شوراندن». ببینید، این دو تا یکی است: «لِيَسْتَأْذُوهُمْ مِيثَاقَ فِطْرَتِهِ» و «لِيُثِيرُوا لَهُمْ دَفَائِنَ الْعُقُولِ». صحبت خدا بود؟ بله صحبت خداست، ولی آقا رسول اکرم صلی الله علیه و آله نگاهش به انسان ها چیست؟ نگاهش به انسان ها این است که این ها مفلونند علی التوحید،

۱. نهج البلاغه: خطبه ۱

۲. نهج البلاغه: خطبه ۱



درست است؟ «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا» پیراسته صاف و بدون اعوجاج نگاهت را به دین بدون بعد دین را برمی دارد و جای آن این را می گذارد، «فُطِرْتُ اللَّهُ أَلْتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا».<sup>۲</sup>

می پرسند از آقا امام صادق (ع) که یعنی چه؟ این فطرت این جا چه کاره است؟ می فرماید: «فطروا علی التوحید».<sup>۳</sup> فطرت تو در جهان بینی توحیدی، همه حقایق توحیدی عالم را می داند. باید بتوانیم به آن نگاه کنیم و آقا رسول اکرم (ص) کارش همین بود، کلاً این همه طراحی جنگ، صفوف کشی و... بله، این ها همه اش آهنگ توحید بود. از آقا رسول اکرم (ص) هیچ چیز دیگری نمی پذیریم. درباره ایشان هیچ سخن دیگری را نمی پذیریم.

تسلط ایشان بر خدانشناسی به گونه ای بود که لحظات ایشان را... ما بزرگانمان می گویند آقا رسول الله (ص) اگر باران می آمد، عمامه اش را برمی داشت. چقدر تحلیل و تفسیر که چرا وقتی باران می آید ایشان عمامه اش را برمی دارد؟ چون ایشان قطب عالم امکان است، اصلاً «لولاك لما خلقت الأفلاك»<sup>۴</sup> است. این آدم با کل هستی هماهنگ است. باران می آید، چرا عمامه اش را برمی دارد؟ دقت می کنید؟ و همین طور و همین طور. ببینید چرا من این ها را دارم می گویم؟ اصلاً بحث همین است. کلاً آقا رسول اکرم (ص) وقتی به انسان نگاه می کند، «مَفْطُورٌ عَلَى التَّوْحِيدِ» می بیند نه بوزینه و اورانگوتان.

## انسان شناسی غربی مقابل انسان شناسی قرآنی

اما الان به اسم علم، چه چیزی به خورد ما می دهند؟ می گویند: ما مطالعه کردیم، باور کن چقدر اسکلت بررسی کردیم، چقدر فسیل بررسی کردیم... آقا، ما اولاً اگر سفت بخواهیم بگوییم، اصلاً معلوم نیست ما اصلاً چه جوری پیدایمان شده روی این کره خاکی. یک خرده هم بخواهید به ما تخفیف بدهید، یک خرده هم علم

۱. سورة الروم: ۳۰

۲. همان

۳. البرقي، المحاسن: ص ۲۴۱، الناشر: دار الكتب الإسلامية - طهران

۴. ابن شهر آشوب، مناقب آل أبي طالب: ج ۱، ص ۱۸۶، الناشر: المكتبة الحيدرية - النجف الأشرف



بیراکنیم برایتان. می‌گوییم به نظر می‌رسد ما از اورانگوتان و بوزینه و میمون هستیم. خلاصه همین‌طور هی دُم ما روی زمین کنده شده، دم قطع شده، یک چیزهایی مانده هنوز آن طعمه‌ها... انسان‌شناسی این‌ها همین است.

من برایتان فهرست بکنم. در عین حال چه ادعا می‌کنند؟ اومانیسیم (اومانیزم). انحصارگرایی، ادعای کرامت انسان می‌کنند. می‌گویند ما آمدیم انسان را از زیر دست و بال خدا نجات بدهیم. واقعاً هم راست می‌گویند. چون این آباء کلیسا بلایی آورده بودند سر بشریت؛ بشر داشت زیر دست و بال خدای آن‌ها له می‌شد. واقعاً این‌ها یک نهضت اصلاح علمی راه انداختند، بعد آخرش این‌طور شد. خب، در برابر خدا ایستادند. نمی‌خواستند در برابر خدا بایستند، ولی یواش یواش این‌طور شد. چرا؟ چون حالا دیگر خود مسیحی منحرف بودند این‌ها حرف آقا رسول الله ﷺ را هم گوش نکردند. آخرش این‌طور شد، چه بلایی سر بشر آوردند؟

این داستان اومانیسیم که همین الان با شرق و غرب... اومانیسیم الان صد و خرده‌ای سال است بشر کل دنیا درگیر است دیگر؛ کمونیسیم و لیبرالیسم. بدبختی بشر زیر سر همین آباء کلیساست. آن موقع که ایمان نیاوردند، کفر ورزیدند. خب چرا؟ این را انسان نمی‌شناختند. یعنی چی که نمی‌دانستند؟ وقتی می‌خواهیم جامعه را خدایی کنیم، چه کار باید بکنیم؟ یک وضع شرم‌آوری پدید آوردند برای انسان.

خب، این‌ها شوریدند. این شد. حالا مگر می‌شود پیدا کرد این‌ها را؟ این‌ها رفتند دیگر، الان مرده‌اند، استخوان‌هاشان هم شده خاک، ماند برای آن دنیا که بگوییم ببینید چه بلایی سر بشر آوردید به اسم دین‌داری. خب، ادعای اومانیسیم دارند. در حالی که شما فهرست ادعاهایشان را بخوانید (من چون وقت نداریم این بحث‌ها را طرح نمی‌کنم). این جا می‌خواهم بحث را بکشم در فضای مردم، بعد بگویم حضرت امام علیه السلام این حرف‌های عجیب‌غریبش را از کجا آورده است.

دموکراسی از نظر امام نجس است.

آقای حسن روحانی می‌گفت که چهارپنچ تا دکترای علم سیاست نشستند سه چهار ساعت با حضرت امام علیه السلام بحث کردند و ایشان دموکراسی را قبول کرد، بعد گفت «جمهوری اسلامی». حضرت آقا علیه السلام می‌گوید این ظلم در حق حضرت امام علیه السلام است اگر شما به اندازه یک ثانیه معتقد باشید ایشان متأثر شده از اندیشه غربی،



«جمهوری اسلامی» را در تأثر از دموکراسی آورده است. دموکراسی از نظر حضرت امام قدس سره «نجس» است.

عزیزان، ماها نمی دانیم دموکراسی نجس است. مزورانه ترین تفکری که می شد مطرح کرد و بشر را سر کار گذاشت و این طور زیر یوغ طاغوت و مستکبران انداخت، همین **دموکراسی** است. حالا تازه لیبرال دموکراسی که دیگر خودش «شتر گاو پلنگ» است. اصلاً لیبرالیسم با دموکراسی جمع نمی شود. حالا چه جوری جمع کرده اند، با چه بدبختی لیبرالیسم و دموکراسی را با هم جمع کرده اند.

### انسان در نگاه قرآنی: اشرف مخلوقات، خلیفة الله

ادعای انسان شناسی می کنند. شما کجا انسان را می شناسید؟ می گوئید با این همه تحقیقات انسان شناختی ( نگاه کن، ببین ما چقدر تحقیق کردیم؛ همش هم تجربی است و این ها). حالا باشد تجربه، ولی نشناختید انسان را. ما داریم گوش می کنیم.

چرا حرف های پیامبر صلی الله علیه و آله را نمی زنید؟ آخرش چرا حرف های پیامبران علیهم السلام را نمی زنید؟ این ها بدبختی های امروز بشر است. پیامبر صلی الله علیه و آله وقتی به انسان نگاه می کند می گوید این اشرف مخلوقات است. نه فقط «كَانَ خَلْقَهُ الْقُرْآنَ»، «فَكَرَّهُ الْقُرْآنَ»؛ ایشان کلاً تعقلش، عقلش قرآن است دیگر. اشرف مخلوقات می داند. نقطه عطف (به قول حضرت امام قدس سره) نقطه عطف راز هستی. بعد ایشان می گفت:

ای نقطه ای عطف راز هستی  
برگیر از دوست، جام مستی!<sup>۲</sup>

انسان را این گونه نگاه می کند، می گوید اصلاً هدف آفرینش است انسان... **حقیقت انسان**، مصداق اتم آن هم خود آقا رسول اکرم صلی الله علیه و آله است. حضرت آقا علیه السلام (امام شهید) به یکی از آیات قرآن خیلی علاقه داشت، تکرار هم می کرد. می فرمودند: ببینید در

۱. احمد بن حنبل، مسند احمد: ج ۳ ص ۱۶۳، الناشر: دار صادر - بیروت.

۲. موسوی خمینی، دیوان امام: ص ۲۸، ناشر: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س) - تهران



قرآن گفته « خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا! »! چی می فهمید از این « خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا »؟

ایشان توضیح می دهند می فرمایند: خلقت این لکمی است، یعنی آفرینش «لَكُمْ» (برای شما) است. این مثل این می ماند که چنگال را شما بگویید با این می شود (قاچ یا برشی) هندوانه برداشت؛ می گوئیم این اصلاً برای همین است، با این نمی شود آب خورد، ولی اصلاً برای همین است. «خَلَقَ لَكُمْ» به همین جهت.

حضرت آقا علیه السلام می گوید اگر تفکر قرآنی حاکم می شد، بشر به تخریب طبیعت نمی پرداخت. اولاً اصلاً طبیعت را نمی فهمد بشر امروز؛ می گوید یک مشت مولکول. بشر این طور دارد می فهمد طبیعت را، با اینکه جان خودش را هم می گوید اما این دروغ است. یک مشت مولکول، بشر درکش این طور است الان. ولی اگر می شناخت، متوجه می شد «خَلَقَ لَكُمْ» است. این نگاه به کل هستی است. جایگاه انسان، «خليفة الله» است و پیامبران علیهم السلام به انسان این گونه نگاه می کردند.

### نماز و شئون اجتماعی؛ ناز و کرامت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم

من می خواهم یک مسئله در ذهن بنده و شما تسهیل بشود: فقط حرف خداست. فقط از اول تا آخر، مثل در نماز بودن. از اول تا آخر در نماز... تا اواخر نماز که شروع می کنیم به همدیگر سلام کردن، به آقا رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم سلام می کنیم، به خودمان سلام می کنیم، بعد «السَّلَامُ عَلَيْنَا» که معلوم نیست به چه کسانی سلام می کنیم، ظاهراً به شهدا سلام می کنیم. آخر نماز که اصلاً شروع می کنیم به این و آن سلام کردن. در قنوت هم که باید همه را دعا کنیم... درست است.

بعد هم آن (به قول مرحوم علامه طباطبایی رحمته الله) «شئون اجتماعی» در فردی ترین شئون حیات بشری توسط دین مبین اسلام اشباع شده و ملاحظه شده است. یعنی یک نماز هم که می خوانیم، خیلی به سمت مردم و جامعه هستیم. ولی نماز داریم می خوانیم، می دانیم از اول تا آخرش باید حواسمان به خدا باشد. ایشان (رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و پیامبران علیهم السلام) تمام حواسشان به خدا بود. در عین حال، ببینید،



همان طور می آمدند به بشر نگاه می کردند و به بشر نگاه پرکرامتی: « وَ لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ ». همین چند جمله ای است که گفتم. بعد این را پیاده می کنند.

بعد می بینی که آقا رسول اکرم ﷺ چقدر «ناز» است. اینی که می گویند «ناز» است. چون آقا امیرالمؤمنین علیه السلام می گفت: «مثل دختران چهارده ساله می ماند»، انقدر با حیا بود، انقدر ناز می نشست، ناز بلند می شد. توصیف کرده دیگر. درست است؛ کتاب «سنن النبی» مرحوم علامه طباطبایی رحمته الله آن جا این مجموعه را جمع کرده است. چقدر ناز؛ شما بخوانید، آدم واقعاً مغزش داغ می شود. چه موجودی بوده؟ چرا در آن مقطع تاریخی، وسط کویر، هدیه شده به بشر؟ خدا دقیقاً در آن مقطع و این طور می آمد انقدر ناز... خب، این آدم، رفتارش این طور است.

طرف شمشیر هماهنگ کرده بیاید ایشان را بکشد، می آید می بیند، می آید بغلش می کند، می گوید: «من ایمان می خواهم بیاورم. چه کار باید بکنم؟» دقت می کنید؟ می گوید به خدا آمده بودم بکشم. این وقتی به انسان نگاه می کند، اولاً کلاً خدا در ذهنش است. نسبت خدا با انسان چگونه است؟ خدا و انسان... این را اسلام هی دارد تلاش می کند پاک کند در ذهن من و شما: «خدا و انسان»... «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ»<sup>۱</sup>. درست است؟ چرا این طور است؟ بابا خدا اصل توست. اگر خدا را فراموش بکنی، دیگر نمی توانی خودت را... می گویند من علم انسان شناسی پدید آوردم، یک خط خداشناسی در آن نیست. من و شما چقدر باید تحویل بگیریم این روانشناسی را؟ یعنی قشنگ مستقر شده است در «فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ».

یعنی از انسان هیچی نخواهد فهمید. چرا گول می خوریم؟ از انسان هیچی نخواهد فهمید. می گویند باید بریزیم دور؟ نه، دور نریز. تو که خدا را می شناسی، تو ورق بزنی، ولی پارادایم خودت را حفظ کن. پارادایم توحیدی خودت را باید حفظ کنی. (شاید شما بگویید:) اینکه همه اش گفت من فکر خدا هستم، توحید، توحید، چرا به انسان که رسید، انقدر انسان گرا شد؟

به خاطر همین قضیه؛ نسبت این گونه است: «فُطِرُوا عَلَى التَّوْحِيدِ». به خاطر همین، پیامبران علیهم السلام معتقد بودند این انسان «دیفینه عقل» دارد. وظیفه شان چه

۱. سورة الإسراء: ۷

۲. سورة الحشر: ۱۹



بود؟ «يُثِيرُوا لَهُمْ دَفَائِنَ الْعُقُولِ». مثل مامایی که کمک می‌کند بچه این خانم را بگیرد، بدهد بهش بچه را بغل کند. ماما که بچه نمی‌آورد. إثاره می‌کند. «إثاره» یعنی شوراندن.

می‌خواهم بگویم ببینید این‌طور که می‌آییم جلو، می‌شود «مردم، مردم» نه این لوس‌بازی‌های «مردم مردم» که الان دیگر در همه محیط‌های آکادمیک دنیا دارند توضیح می‌دهند. وقتی می‌گویند «مردم»، ما اصلاً آن نیستیم. به خاطر همین، حضرت امام قدس سره یک کاری کرد اصلاً نرسیده موج راه می‌اندازد.

چرا؟ به خاطر اینکه ایشان که از این کتاب‌ها استفاده نکرده بود. ایشان از جای دیگر تغذیه کرده، موج راه می‌اندازد. دومین جلوه باشکوه تعامل موفقیت‌آمیز با مردم، حضرت امام قدس سره ما بود. بعدش هم حضرت آقای شهید رحمته الله و ما تازه داریم می‌فهمیم ایشان چه کرده با مردم.

### نگاه پیامبر صلی الله علیه و آله و امام قدس سره به مردم: إثاره عقل و احترام به کرامت

با اجازه‌تان قدم به قدم می‌خواهم بیایم جلو. ببینید عزیزان، این‌طور وقتی می‌آییم جلو... آقا رسول اکرم صلی الله علیه و آله (شما دوست دارید بگویید بگویند امام خمینی قدس سره، امام خمینی قدس سره؛ دوست دارید بگویند آیت الله خامنه‌ای رحمته الله) این‌ها شاگرد آقا رسول اکرم صلی الله علیه و آله هستند دیگر. نگاهشان به انسان، نگاه احترام‌آمیز است. از انسان توقع دارند و دنبال «إثارة عقل» هستند. وقتی دنبال إثارة عقل است، هی مدل‌های حکمرانی الزام‌آور را پررنگ نمی‌کند، هی بخواهد مدیریت کند، (بلکه) طرف را می‌گذارد خودش فکر کند.

حتی در حق آقا رسول اکرم صلی الله علیه و آله اجحاف هم می‌کند، ولی حضرت می‌گذارد اجحاف کند، می‌گذارد (آن شخص) با وجدانش خلوت کند. درست است؟ فندک زیر وجدانش بگیرد، ببرد بالا بگوید «این چه کاری بود من کردم؟» آیت الله مصباح رحمته الله می‌گفتند این مرد (منظور امام شهید رحمته الله) خیلی آدم عجیبی است. با کسانی که آشکارا با او دشمنی می‌کردند، دشمنی نمی‌کرد. خب می‌گوییم خوب است دیگر، سیاستمدار باید شرح صدر داشته باشد. نه، این اصلاً از جای دیگر نوشیده. داستان ایشان یک جور دیگر است. «مردم‌گرایی» ما یک چیز دیگر است.



این می‌شود مبنای نگاه به مردم. رسول اکرم ﷺ چه می‌کند؟ آقا رسول اکرم ﷺ می‌بینید مدام تعاملاتش به گونه‌ای است که خود مردم عقلشان رشد کند، فعال بشوند، چاره‌اندیشی بکنند، بفهمند چه کار باید بکنند. هدیه‌ای هم که به آن‌ها می‌داد، سخن بود. آیات قرآن می‌آمد، توضیح می‌داد، تفسیر می‌کرد، آیه را می‌خواند، تفسیر می‌کرد، بعدش هم می‌گفت «أَفَهَمْتُمْ». بعد می‌گفتند «نه آقا رسول اکرم ﷺ، نفهمیدیم»، مثلاً «این چه ربطی به آن داشت؟» توضیح می‌داد. دو مرتبه. کارش این بود. کلاً فقط سخن می‌گفت. خب می‌دانید فقط حرف نمی‌زد دیگر، همه کارهایی که انجام می‌داد برای بیدار کردن **فطرت** بود. عزیزان، حواسمان باشد هی آنتن را عوض نکنیم، نندازیم یک دفعه تو می‌خانه.

## دو مبنای برای مردم‌سالاری در اندیشه امام خمینی ره

ما دنبال اشاره دفائن عقول هستیم. انسان‌ها برای ما محترمند. خود امام شهید ره، امام می‌گوید می‌دانید چرا حضرت امام ره انقدر محکم معتقد به مردم‌سالاری بود؟ به خاطر مبانی متفاوتی که داشت. از نظر ایشان، انسان اساساً وجودی شرافتمند دارد اینکه انسان‌ها مجتمعاً اگر چیزی را بخواهند، خداوند قدرتی به این‌ها می‌دهد که هیچ قدرتی در عالم یارای مقابله با آن را ندارد. این دو تا، فرد، فئه.

آیه‌ای هم که می‌خوانند برایشان، امام شهید ما ره «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» می‌گفت: این حرف از داخل آن در می‌آید. معجزه‌های اجتماعی در گرو این است که همه مردم با هم یک چیزی را بخواهند.

## خواست و اراده مردم برای امام اصل بود.

عرض شود که ما این‌طور سراغ بحث مردم می‌آییم. لذا فرمایش حضرت آقا ره این است که خواست مردم برای حضرت امام ره مهم بود. تعبیرشان این است: «اصل بود». خواست، اصل بود. نه این‌هی «مردم مردم» کردن که این روشنفکرها می‌گویند (آن را باز می‌زنند تو جدول، آن‌ها باز دو مرتبه خدا را خط می‌زنند).

۱. سورة الرعد: ۱۱



نه، به همین معانی که گفتیم. خواست مردم برای حضرت امام علیه السلام مهم بود، به خصوص اگر مردم بیش از خواست، «اراده» کرده باشند؛ یعنی بلند شده باشند که یک کاری انجام بدهند. اگر بلند شوند یک کاری انجام بدهند که دیگر رهبرند، رهبر می‌شوند. «بعثت» اسمش بعثت است. ولی حتی خواست مردم برای امام مهم بود، به معانی عمیق. مهم بود برای امام. ببینید مردم سالاری ما این‌طور است: اولاً کلاً دنبال این هستیم که «خدا همه جا دیده بشود». بله، در مردم سالاری، دنبال این هستیم خدا دیده بشود. اگر إثاره دفائن عقول بشود، همه در حال ذکر الهی مشاهده می‌شوند؛ همان حالی که در جبهه‌های جنگ رزمندگان عزیز نشان می‌دادند و نشان هم می‌دهند. همین الان هم همین‌طور است. وقتی به شدت خدا سیطره پیدا می‌کند بر ذهن.

**نتیجه: مردم رشد کرده و مبعوث شدند.**

عزیزان، اگر می‌بینید امام شهیدمان علیه السلام با مردمش یک جوری تعامل کرد که مردم رشد کردند، آمدند بالا، آمدند بالا، آمدند بالا. وقتی که خودش رفت، خود مردم فرمان را گرفتند دستشان؛ یعنی «بعثت اتفاق افتاده»، رشد کرده‌اند، کار می‌توانند انجام بدهند. دیدید بعضی پدر و مادرهای باعرضه، بچه بی‌عرضه تربیت می‌کنند، بچه بی‌عرضه است و هیچ کاریش نمی‌شود کرد. ولی آن که حواسش هست، بچه با عرضه تربیت می‌کند. می‌بینید که پدر می‌رود، بچه‌ها همه چیز را دستشان می‌گیرند، آب از دستشان تکان نمی‌خورد.

می‌خواهم بگویم: در بازی‌های دموکراسیزم و این چیزها نیفتید، عزیزان. یک دفعه خدای نکرده... شماها خیلی تک‌تک موجودات شریفی هستید، طلبه‌اید. ما از توی قرآن رسیدیم به این داستان، ما نگاه محترمانه به بشر داریم. لذا حضرت آقا علیه السلام حوصله می‌کرد تا مردم چیزی بیاموزند.

برجام را یادتان هست؟ آن موقع تو ایران بودید شما؟ داستان بسیار غم‌انگیز برجام. حضرت آقا علیه السلام برجام را که گفتند «من می‌پذیرم، بروید مذاکره» (با فقط هم آمریکا نه، پنج به علاوه یک، بروید مذاکره) بله، اما من به خاطر این پذیرفتم که «ظرفیت تفکری مردم بالا برود». این‌طور شد یا نه؟

۱. سخنرانی در جمع عده‌ای از طلاب غیر ایرانی بوده است.



الان مردم می گویند «مذاکره نه»؛ هنوز هم آن روغن فکرها می گویند چی؟ مذاکره. به صورت نفرت آوری می گویند مذاکره. عکسش را گرفتند، یک دختر بی حجاب عکسش را گرفت، آتش زد. دیدید؟ مردم جلو افتادند. بارک الله دارد. بارک الله دارد. چرا بارک الله دارد؟ به خاطر اینکه قرآنی زندگی کرد آقا امام شهیدمان رحمته الله علیه و قرآنی مدیریت کرد. امام شهیدمان رحمته الله علیه به خاطر این بارک الله دارد. هیچ چیز دیگر در زندگی بشر بارک الله ندارد.

صلوات را مرحمت بفرمایید.



خامنه‌ای را مردار

گفتار خامنه‌ای

